



# تزه‌های مربوط به جبهه واحد کارگری

ضمیمه تزه‌های مربوط به تاکتیک‌های کمینترن (۱)

بیهودگی توهمات فرمیستی پی برده اند و متقا عدشده اند که بدون مبارزه راه فراری در مقابل تهاجم گانگسترهای سرمایه دار وجود ندارد.

۴ - احزاب کمونیست می توانند می باید که امروزه شمره مبارزاتی را که در گذشته در شرایط کاملاً نامساعدی تفاقاً و تفسی توده‌ای انجام دادند، بدست آورند، اما، همراه با رشد اشی اعتماد توده‌های کارگری به عناصر سازش‌ناپذیر و مبارز، به عناصر کمونیست طبقه کارگر، روحیه بی سابقه‌ای نیز برای اتحاد آنان را تسخیر کرده است. اقشار جدیداً زلحاظ سیاسی کم تجربه کارگران که تازه با به صحنه فعالیت می گذارند، به وحدت تمام احزاب کارگری و حتی تمام سازمانهای کارگری دل بسته اند. آنها امیدوارند که بدین طریق بتوان مقاومت در برابر تهاجم سرمایه داری را تقویت کرد. این لایه‌ها که اغلب قبلاً در مبارزات سیاسی نقش فعالی نداشته اند، امروزه راه جدیدی برای امتحان کردن برنامه‌های عملی فرمیسم را در پرتو تجربه خویش پیدا می کنند. همانند اینان، بخش‌های قابل ملاحظه‌ای از کارگران متعلق به احزاب قدیمی سوسیالدموکراتیک حتی امروزه نیز حاضر به صحنه گذاردن برحملات سوسیالدموکراتها و سنتریست‌ها علیه پیشگام کمونیستی نیستند. آنها حتی شروع به درخواست توافق با کمونیست‌ها کرده اند، هر چند که در عین حال هنوز از اعتقاد خود به فرمیسم دست نکشیده اند و تعداد زیادی از آنها هنوز از احزاب بین المللی دوم و آستردا حمایت می کنند. آنها هنوز مطالبات و برنامه‌های خود را آنچنان دقیق فرموله نکرده اند، اما بطور کلی روحیه جدید در میان این توده‌ها به تامل به ایجاد یک جبهه واحد و اتحاد ساختن احزاب و اتحادیه‌های بین المللی‌های دوم و آستردا به جنگیدن در کنار کمونیست‌ها علیه حملات سرمایه داری خلاصه می شود. و تا این اندازه، این روحیه مترقی است. مهمترین نکته این است که ایمان شان به فرمیسم متزلزل شده است. در اوضاع کنونی جنبش کارگری، هر عمل توده‌ای جدی، حتی اگر با شعارهای جزئی آغاز شود، بطور اجتناب ناپذیر مسائل اساسی و عمومی انقلاب را مطرح خواهد کرد. پیشگام کمونیستی فقط هنگامی می تواند این لایه‌های جدید کارگران را به خود جلب کند که آنها بواسطه تجربه خویش متقا عدشده باشند که فرمیسم توهمی بیش نیست و سازش خطرناک است.

۵ - هنگامی که اعتراضات آگاهانه و سازمان یافته علیه خیانت پیشگی رهبران بین المللی دوم هنوز مراحل اولیه خود را طی می کرد، کنترل تمام دستگاه سازمانهای کارگری در دست این رهبران بود. آنها بواسطه استفاده ظالمانه از اصل وحدت و انضباط کارگری اعتراضات انقلابی پرولتاریا را در نطفه حفه کردند تا بتوانند تمام قدرت سازمانهای کارگری را در خدمت امپریالیسم ملی قرار دهند. در چنین شرایطی، جناح انقلابی ناچار بود که به هر قیمتی که شده آزادی تهییج و تبلیغ، یعنی آزادی تشریح

۱ - جنبش بین المللی کارگری در حال حاضر از یک دوره ویژه انتقالی می گذرد که برای بین الملل کمونیستی بطور کلی و برای بخش‌های جداگانه آن مسائل تاکتیکی مهم و جدیدی را مطرح می‌سازد.

این دوره را می توان اساساً با خصوصیات زیر مشخص کرد: بحران جهانی اقتصادی و خیمتری شود؛ بیکاری افزایش می یابد؛ در تقریباً تمام کشورها، سرمایه بین المللی حمله نظامیافته‌ای را علیه طبقه کارگر بر راه انداخته که عمده ترین نشانه آن تلاش آشکار برای کاهش دستمزدها و پاشین آوردن سطح عمومی زندگی کارگران است؛ ورشکستگی پیمان صلح و رسای روز بروز برای اکثریت عظیم کارگران واضح تر می شود.

واضح است که اگر پرولتاریای بین المللی نتواند تنظیم بورژوازی را سرنگون کند، وقوع یک یا حتی چند جنگ امپریالیستی اجتناب ناپذیر خواهد بود. کنفرانس واشنگتن (۲) به صراحت این مطلب را نشان داده است.

۲ - احیای نوعی توهمات فرمیستی که بخاطر برخی شرایط در میان بخش‌های گسترده‌ای از کارگران بر اه افتاده بود، اکنون تحت فشار حقایق جای خود را به روحیه کاملاً متفاوتی می دهد. توهمات دموکراتیک و فرمیست که بعداً از تمام گشتار امپریالیستی در میان برخی از کارگران (از یک طرف میان کارگران مرفه‌ترو از طرف دیگر در میان کارگران زلحاظ سیاسی کم تجربه‌تر) دوباره ظهور کرده بودند، میوه‌ای به بار نیاوردند و در حال بر طرف شدند. مسیری بعدی و نتایج "کار" کنفرانس واشنگتن هر چه بیشتر به ایسن توهمات پایان خواهند داد. اگر شش ماه پیش ممکن بود که با برخی قید و شرط‌ها از یک حرکت عمومی به راست در میان توده‌های کارگران اروپا و آمریکا سخن گفته شود، امروزه می توان با اطمینان گفت که حرکتی معکوس به چپ آغاز شده است.

۳ - از طرف دیگر، تحت تاثیر تهاجم فزاینده سرمایه داری روحیه جدیدی در میان کارگران شکل گرفته است: تمایل خود بخودی در جهت وحدت که عملاً غیر قابل مهار کردن است و به موازات افزایش تدریجی اعتماد توده‌های وسیع کارگران نسبت به کمونیست‌ها صورت گرفته است.

امروزه محافل هر چه بیشتری از کارگران شهادت پیشتر زکمو نیستی را در مبارزه برای دفاع از منافع طبقه کارگر در زمانی که هنوز اکثریت عظیم کارگران در بی تفاق و بی بر دوحی نسبت به کمونیسم خمومت داشت، تقدیر می کنند. تعداد دانی فزاینده‌ای از کارگران امروزه متقا عدمی شوند که این فقط کمونیست‌ها بودند که در سخت ترین شرایط و گاهی به بهای فداکاری‌های بزرگ از منافع اقتصادی و سیاسی آنان دفاع کردند. به همین دلیل، دوباره احترام و اعتماد نسبت به پیشگام سازش‌ناپذیر کمونیستی طبقه کارگر افزایش می یابد. اکنون، حتی اقشار عقب افتاده تر کارگران به

این خیانت تاریخی بی سابقه را بدست آورد و به پرولتاریا نشان دهده که احزاب و اتحادیه‌هایی که خود را بیجا دکرده اند مرتکب چنین خیاناتی شده اند و می شوند .

۶ - امروزه ، احزاب کمونیست که آزادی کامل سازمانی برای گسترش نفوذایدنولوژیک خود در میان توده‌های کارگری را به نقصد تضمین کرده‌اند ، می‌کوشند تا در فرصتی وحدت هرچه گسترده‌تر و کامل‌تر این توده‌ها را در فعالیت‌های عملی تحقق بخشند . قهرمانان بین الملل دوم و آستردام در حرف دربارۀ وحدت موعظسه می‌کنند ، اما عملشان نقی‌آن است ، اکنون که با زشکاران رفرمیست آستردام در اقدامات سازمانی خود برای سرکوب صدای اعتراض ، انتقاد و مال انقلابی ناکام مانده‌اند ، تلاش می‌کنند تا از طریق ایجاد انشعاب و اغتشاشات و خرابکاری‌های سازمان یافته درون مبارزات توده‌های کارگری راه‌فرار ازین بست خود را پیدا کنند . یکی از مهمترین وظایف روز کمونیست‌ها همانا افشای علنی این اشکال جدید خیانت‌های کهنه است .

۷ - اما ، دیپلوما تها و رهبران بین الملل‌های دوم و دومین اخیرا بواسطه تحولات عمیق درونی ناشی از موقعیت عمومی اقتصادی طبقه کارگر در اروپا و آمریکا خود را چا ر شده اند که مناله وحدت را مطرح کنند . هر چند برای بخش‌های بی تجربه کارگران که از لحاظ سیاسی تازه شروع به آگاه شدن کرده‌اند ، شعارجبهه و احببیا نراستین تمایل واقعی آنان به گردهم آئی نیروهای ستمدیدگان علیه حملات سرمایه‌داری است ، برای رهبران و دیپلوما تهای بین الملل‌های دوم ، دومین و آستردام مطرح شعار وحدت معرف تلاش جدیدی برای تحمیق کارگران و راه جدیدی برای کشیدن آنان به مسیر سبزش طبقه‌ای است . خطر قریب الوقوع یک جنگ جدید امپریالیستی ، رشد تسلیحات نظامی و قرارداد های جدید مخفیانها امپریالیستی همگی نه تنها رهبران بین الملل‌های دوم ، دومین و آستردام را بر آن نخواهند داشت که زنگ خطر را بصدادر آورند و وحدت بین المللی طبقه کارگر را نه در حرف که در عمل ممکن سازند ، بلکه برعکس درون این سازمانها همان امطکا که توانشعاباتی را که خود در اردوگابورژوازی بین المللی مشاهده می‌شود ، ایجاد خواهند کرد . این جریان اجتنابنا پذیر است زیرا که سنگ بنای رفرمیسم همانا همبستگی " سوسیالیست رفرمیست " ها با بورژوازی کشور " خودشان " است .

اینها هستند آن شرایط عمومی که بین الملل کمونیستی بطور کلی و بخش‌های جداگانه آن با دیده هنگام فرموله کردن برخوردار خود نسبت به شعارجبهه و احسوسیالیستی در مدنظر داشته باشند .

۸ - کمیته اجرائی بین الملل کمونیستی بر اساس ارزیابی خود از اوضاع براین اعتقاد است که شعارکنگره " سوم جهانی " ، بسوی توده‌ها " ، ونیز منافع عمومی جنبش کمونیستی ایجاب می‌کنند که احزاب کمونیست و بین الملل کمونیستی بطور کلی از شعارجبهه واحد کارگران پشتیبانی کنند و ابتکار عمل در رابطه با آن را در دست خود بگیرند . البته ، تاکتیک‌های خاص هر یک از احزاب کمونیست باید بر اساس شرایط و اوضاع هر کشور خاص مشخص شود .

۹ - در آلمان ، حزب کمونیست در آخرین کنفرانس سراسری خود از شعارجبهه واحد کارگران حمایت کرد و امکان پشتیبانی خود را از یک " حکومت متحد کارگری " که به مبارزه جدی علیه قدرت سرمایه‌داری تمایل نشان دهد ، اعلام داشت . کمیته اجرائی بین الملل کمونیستی این تصمیم را کاملاً تأیید می‌کند و اطمینان دارد که حزب کمونیست آلمان خواهد توانست همراه با حفظ کامل موضع سیاسی مستقل خود به همه بخش‌های طبقه کارگر دسترسی یابد و نفوذ کمونیستی در میان توده‌ها را گسترش دهد . بیش از هر جای دیگری در

آلمان توده‌های وسیع هرچه بیشتر متقا عدخواهند شد که پیشگام کمونیستی هنگامی که در سخت‌ترین شرایط زمین‌گذاردن سلاح خود را نپذیرفت ، توخالی بودن وعده‌های زیبای رفرمیست‌ها برای حل بحران را پیگیرانه افشا کرد و توضیح داد که تنها راه حل بحران همانا انقلاب پرولتری است ، مطلقاً حق داشت . با پیروی از این تاکتیک حزب می‌تواند همه عناصر آنا رشیت و سندیکا لیست را که فعلاً از مبارزات توده‌ای کناره گرفته‌اند ، بدور خود گرد آورد .

۱۰ - در فرانسه اکثریت کارگرانی که از لحاظ سیاسی سازمان یافته‌اند از حزب کمونیست حمایت می‌کنند . بنا بر این ، مساله جبهه واحد در فرانسه با سایر کشورها متفاوت است . اما ، در آنجا هم مهم است که تمام مسوولیت هرگونه انشعابی در اردوی متحد کارگران بدوش مخالفین ما بیفتد . جناح انقلابی سندیکا لیست‌های فرانسوی در مبارزه خود علیه انشعاب در اتحادیه‌های کارگری و تلاش برای حفظ وحدت طبقه کارگر در مبارزات اقتصادی علیه بورژوازی کاملاً محق است . اما مبارزه کارگران در حوزه صنعت محدود نمی‌شود . در برتوموج فزاینده ارتجاع ، سیاست‌های امپریالیستی و غیره نیز اهمیت اساسی وحدت برجسته می‌شود . سیاست رفرمیست‌ها و سنتز - یست‌ها که به انشعاب در حزب منجر شد ، اکنون حتی وحدت جنبش اتحادیه‌های کارگری را تهدید می‌کند . و این دلیل عینی دیگری است که همکار ژوشوولانگه (۳) با بورژوازی را اشیات می‌کند . شعار اتحاد پرولتری در مبارزات اقتصادی و سیاسی علیه بورژوازی بهترین وسیله برای عقیم ساختن این نقشه‌های انشعاب کرانه است .

اگر چه کنفدراسیون رفرمیست کارگران برهبری ژوشو ، مایم و شرکاء (۴) به منافع طبقه کارگر فرانسه خیانت خواهد کرد ، کمونیست‌ها و عناصر انقلابی طبقه کارگر فرانسه باید قبل از هر انعطاب توده‌ای ، تظاهرات انقلابی و یا هرگونه عمل توده‌ای خود انگیزه از رفرمیست‌ها بخوانند که از ابتکار توده‌ها حمایت کنند ، هنگامی که از شرکت در مبارزات انقلابی کارگران خودداری می‌کنند ، آنها را سرخستانه افشا سازند . این ، بهترین راه جلب توده‌های کارگری است که خارج از حزب قرار دارند . البته ، استفاده از این روش نباید به هیچ وجه استقلال حزب کمونیست را مورد مصالحه قرار دهد ؛ مثلاً ، از طریق حمایت حتی بشکل محدود از " بلوک چپ " در انتخابات (۵) و یا نرمش در باره " کمونیست " های مردد که هنوز از انشعاب با سوسیال - شونیست‌ها ابراز تاسف می‌کنند .

۱۱ - در بریتانیا ، حزب رفرمیست کارگرا ز پیوستن حزب کمونیست بر اساس شرایط مشابهی که ما بر سازمان‌های کارگری از آن برخوردارند ، جلوگیری کرده است . اما ، تحت تاثیر روحیه فزاینده کارگران برای وحدت ، سازمان‌های کارگری لندن اخیراً به قطعنامه‌ای رای دادند که از پیوستن حزب کمونیست بریتانیا به حزب کارگر حمایت می‌کند .

البته ، بریتانیا از این لحاظ یک استثناء است . شرایط ویژه آنجا باعث شده است که حزب کارگر بریتانیا به یک نوعاً سازمان عمومی کارگران کل کشور تبدیل شود . کمونیست‌های بریتانیا با بدفعالیست گسترده‌ای را برای راه یافتن به درون حزب کارگر آغا ز کنند . خیانت‌های اخیر رهبران اتحادیه‌های کارگری در انعطاب معدنچیان ، فشار روز افزون سرمایه‌داری برای کاهش دستمزدها و غیره ، ناراضی عمیقی را در توده پرولتاریای بریتانیا برانگیخته و این طبقه هرچه بیشتر انقلابی می‌شود . کمونیست‌ها باید تحت شعارجبهه واحد انقلابی علیه سرمایه‌داران جداگانه تلاش خود را مبذول دارند تا به هر قیمتی که شده نفوذ خود را در صفوف ساده کارگر گسترش دهند .

۱۲- در ایالت‌ها حزب جوان کمونیست شدیداً با حزب رفرمیست سوسیالیست ایالت‌ها و خائنین کنگفدراسیون کارگری که همین چندی بیش منافع انقلاب پرولتری را فروختند، مبارزه می‌کند. اما، با این وجود، فعالیت تهیجی خود را حول شعار جبهه واحد زمزمه‌دهنده پرولتری علیه تمام سرمایه‌داری آغاز کرده است. هیات اجراییه بین الملل کمونیستی اعتقاد دارد که این فعالیت کاملاً بجاست و فقط تأکید می‌کند که در همین جهت تقویت شود. هیات اجراییه اطمینان دارد که حزب کمونیست ایالت‌ها با افشای بی رحمانه خیانت و ترسزدگی رفرمیست‌ها و سنتریست‌ها (که تحت پوشش کمونیستی مخفی شده‌اند) در هر قدم، و در آن واحد، با مبارزه خستگی‌ناپذیر برای وحدت جبهه کارگری علیه بورژوازی که با ایدئولوژی گسترش‌یافته و بخش‌های هر چه وسیع‌تری از توده‌ها را دربرگیرد، نمونه‌ای از مبارزه کسب‌مزدمنده را به کل بین الملل ارائه خواهد داد. در این رابطه حزب باید طبقاً حداکثر تلاش خود را برای تضمین شرکت عناصر سندیکیالیست انقلابی در مبارزات مشترک بکار بگیرد.

۱۳- در چکسلواکی که حزب کمونیست از پشتیبانی بخش مهمی از کارگران سازمان یافته در تشکیلات سیاسی برخوردار شده، وظایف کمونیست‌ها در برخی از جوانب مشابه کمونیست‌های فرانسه است. حزب کمونیست چکسلواکی در عین حالی که آخرین باقیمانده‌های سنتریسم را تصفیه می‌کند و استقلال خود را استحکام می‌بخشد، باید بتواند شعار جبهه واحد کارگری علیه بورژوازی را در سراسر کشور ترویج دهد و رهبران سوسیال دموکراسی و سنتریست‌ها را بی‌ثبات نماید. سرمایه‌داری در میان عقب‌افتاده‌ترین کارگران برای همیشه افشای سازد. حزب کمونیست باید در آن واحد تلاش‌های خود را برای جلب اتحادیه‌های کارگری که کارگران در دست رهبران خائن هستند، افزایش دهد.

۱۴- در سوئد انتخابات اخیر پارلمانی موقعیتی را ایجاد کرده است که به جناح کوچک نمایندگان کمونیست اجازه خواهد داد که نقش عمده‌ای ایفاء کند. آقای برانتینگ، یکی از رهبران مهم بین الملل دوم در عین حال نخست وزیر بورژوازی سوئد، در موقعیتی قرار گرفته است که بخاطر تضمین اکثریت پارلمانی نمی‌تواند نسبت به اقدامات فراجامیونیست‌ها در پارلمان بی‌تفاوت بماند. هیات اجراییه بین الملل کمونیستی معتقد است که فراجامیونیست‌ها در پارلمان سوئد می‌توانند تحت برخی از شرایط از وزارت منشویک برانتینگ حمایت کنند. همان‌طور که کمونیست‌های آلمان در برخی از ایالات آلمان از حکومت‌های محلی حمایت کردند (مثلاً، در تورینگن)، اما، این نباید به هیچ وجه به معنای محدود کردن استقلال کمونیست‌های سوئدی و یا خودداری از افشای خصلت منشویکی حکومت باشد. برعکس، هر چه منشویک‌ها قدرت بیشتری داشته باشند، بیشتر به طبقه کارگر خیانت خواهند کرد و تلاش‌های کمونیست‌ها برای افشای آنها در میان وسیع‌ترین بخش‌های طبقه کارگر باید هر چه بیشتر افزایش یابد. حزب کمونیست باید همچنین کارگران سندیکیالیست را در مبارزات مشترک درگیر سازد.

۱۵- در آمریکا وحدت تمام عناصر چپ در جنبش اتحادیه‌های کارگری و جنبش سیاسی آغاز شده است و چنانچه کمونیست‌ها بتوانند در این جریان وحدت‌چپ نقش مرکزی ایفاء کنند، فرصت خواهند یافت که موقعیت خود را در میان وسیع‌ترین توده‌های پرولتاریای آمریکا مستحکم سازند. کمونیست‌های آمریکا می‌باید در هر جایی که حتی تعداد اندکی کمونیست وجود دارد، به تشکیل گروه‌های کمونیستی دست بزنند و باید بتوانند در این جنبش برای وحدت تمام نیروهای انقلابی قرار بگیرند. آنها باید بویژه امروزه شعار جبهه واحد کارگری را مثلاً برای دفاع از بیکاران و غیره مطرح کنند. اتهام عمده علیه اتحادیه‌های کارگری گامپرز (۶) با بداین باشد که آنها

به شرکت در ایجاد یک جبهه واحد کارگری علیه سرمایه‌داران و در دفاع از بیکاران و غیره تمایلی نشان نمی‌دهند. اما، وظیفه عمده حزب کمونیست کارگران عبارت است از جلب بهترین عناصر سندیکیالیست کارگران صنعتی جهان" (۷).

۱۶- در سوئیس حزب ما پس از دنبال کردن مسیر پیشین‌ها سعی موفقیت‌هایی کسب کرده است. بخاطر تهیج کمونیست‌ها برای یک جبهه واحد انقلابی، بوروکراسی اتحادیه‌های کارگری مجبور به فراخواندن یک کنگره ویژه اتحادیه‌های کارگری شده است. در این کنگره که قرار است بزودی تشکیل شود، رفقای ما قادر خواهند بود که فریبکاری رفرمیسم را در مقابل همه کارگران سوئیس افشاء کنند و همبستگی انقلابی پرولتاریا را افزایش دهند.

۱۷- در برخی از دیگر کشورها مسأله جبهه واحد را با شرایط گوناگون محلی به اشکال متفاوتی مطرح خواهد شد. هیات اجراییه بین الملل کمونیستی اطمینان دارد که با روشن شدن خط مشی عمومی احزاب کمونیست خواهند توانست بر اساس شرایط ویژه حاکم در کشور خود آن را به نحو درست بکار بگیرند.

۱۸- هیات اجراییه بین الملل کمونیستی معتقد است که شرط عمده و اجباری و یکسان برای همه احزاب کمونیست عبارت است از حفظ استقلال مطلق همه احزاب کمونیست در هر گونه توافق با احزاب بین المللی‌های دو و دوونیم و حفظ آزادی کامل برای تبلیغ نظرات خود و طرح انتقادات خود از کسانی که با کمونیست‌ها مخالفت می‌ورزند. احزاب کمونیست در عین حالی که ضرورت انضباط در عمل را می‌پذیرند، باید حق و فرصت عنوان کردن نظرات خود را در باره سیاست‌های تمام سازمان‌های طبقه کارگر بدون استثنا، چه در حین اقدامات مشترک و چه پس از آن محفوظ دارند. تحت هیچ گونه موقعیتی رها کردن این شرط مجاز نیست. کمونیست‌ها در عین حالی که از شعار وحدت حداکثر تمام سازمان‌های کارگری در هر گونه اقدام عملی علیه جبهه سرمایه‌داری پشتیبانی می‌کنند، تحت هیچ شرایطی نمی‌توانند از طرح عقاید خود که تنها بیان‌کننده منافع کل طبقه کارگر است، خودداری کنند.

۱۹- هیات اجراییه بین الملل کمونیستی معتقد است که پیادآوری تجارت بلشویک‌های روسیه - تنها حزبی که تاکنون در شکست دادن بورژوازی و تسخیر قدرت توفیق یافته - به همه احزاب هم‌نظر مفید خواهد بود. در تمام پانزده ساله‌ای که از تولد بلشویزم تا پیروزی آن بر بورژوازی بطول انجامید (۱۷ - ۱۹۰۳)، بلشویک‌ها از مبارزه خستگی‌ناپذیر علیه رفرمیسم و یا بعبارت دیگر منشویزم دست برنداشتند. با این وجود، در این پانزده سال بلشویک‌ها در بسیاری موارد با منشویک‌ها به توافق‌هایی رسیدند. انشعاب رسمی با منشویک‌ها در سال ۱۹۰۵ بوقوع پیوست، اما در اواخر همان سال، تحت تأثیر گسترش عظیم جنبش کارگری، بلشویک‌ها بطور موقت با منشویک‌ها یک جبهه مشترک ایجاد کردند. دومین انشعاب رسمی با منشویک‌ها قبلاً در ژانویه ۱۹۱۲ رخ داد، اما بین سال‌های ۱۹۰۵ و ۱۹۱۲، جدایی مانع وحدت‌ها و شبه‌وحدت‌های سال‌های ۱۹۰۷ - ۱۹۰۶ و ۱۹۱۰ نشد. این گونه توافقات نه صرفاً بخاطر نوسانات در مبارزات جناحی، بلکه به دلیل فشار مستقیم بخش‌های وسیع کارگران ضرورت می‌یافت. توده‌های کارگر فعالیت سیاسی را آغاز می‌کردند و خواهان این بودند که خود فرصت داشته باشند تا بر اساس تجربه خود دوری بنیادی منشویزم از مسیر انقلابی را آزمایش کنند. قبل از آغاز جنگ جدید انقلابی پس از اعتماد به ما (۸)، و نه چندان قبل از آغاز جنگ امپریالیستی، توده‌های کارگر روسیه بویژه مشتاق وحدت بودند و رهبران سیاستمدار منشویزم روسی تلاش می‌کردند تا از این روحیه به نفع اهداف خود سوءاستفاده کنند.

و عقاید روشن باشند .

۲۲- گروه‌بندی‌های که در درون خود بین الملل کمونیستی کم و بیش به درستی بعنوان جریان‌ات راست و یا حتی شبه‌سنتریست تلقی می‌شوند ، بوضوح متکی بر دوگرایش متفاوت اند . برخی از عناصر که واقعا از روش‌ها و ایدئولوژی بین الملل دوم نبریده‌اند و خود را از توهّمات در مورد قدرت قبلی با زمانی آن آزاد نساخته‌اند ، بطور آگاهانه یا ناآگاهانه هنوز تلاش دارند تا با بین الملل دوم و در نتیجه‌جا مع بورژوازی به توافقات ایدئولوژیک برسند . عناصر دیگر که مخالف را دی‌کالیزم صوری و اشتباهات با اصطلاح " جناح چپ " بودند ، نگران این اند که احزاب جدیدالتاسیس کمونیست نتوانند برای تقویت هر چه سریع‌تر نفوذ خود در میان صفوف سادّه توده‌های کارگری در تاکتیک‌های خود هر چه بیشتر انعطاف‌پذیری و ظرافت نشان دهند . به نظر می‌رسد که رشد سریع احزاب کمونیست همواره ایسند دو گرایش را بسوی یکدیگر و حتی به درون گروه‌بندی‌های واحد دل داده است . استفاده از روش پیشنهادی ما که برای ایجاد یک پایگاه قوی برای تهیج کمونیستی در فعالیت‌های توده‌ای متحد پرولتاریا ، ضرورت دارد ، تنها روش موثر برای افشای گرایش‌های واقعاً رفرمیستی درون احزاب کمونیست است . با استفاده درست از این روش می‌توان استحکام درونی انقلابی احزاب کمونیست را هم از طریق آموزش مجدد عناصر شرکت‌ریست نا شکیبی " جناح چپ " بواسطه تجربه عملی و هم از طریق تصفیه با زمانه‌های رفرمیزم تقویت کرد .

۲۳- جنبه واحد کارگری به معنای وحدت همه کارگزارانی است که مایل به مبارزه علیه سرمایه‌داری هستند - منجمله آن کارگزارانی که هنوز از آن ریشیت‌ها و سندیکالیست‌ها پیروی می‌کنند . در کشور-های لاتین ( و نیز در برخی کشورهای دیگر ) هنوز تعداد زیادی از این گونه کارگران وجود دارند و می‌توانند در مبارزات انقلابی سهیم شوند . احزاب کمونیست از همان ابتدای پیدایش خود روابط دوستانه‌ای را با آن کارگزارانی که به تدریج بر تعصبات خود فائق می‌آیند و بطرف کمونیسم قدم برمی‌دارند ، حفظ کرده‌اند . کمونیست‌ها باید امروزه که تشکیل جنبه واحد کارگری علیه سرمایه‌داری به یک واقعیت تبدیل می‌شود ، هر چه بیشتر به این گونه کارگران توجه کنند .

۲۴- هیات اجرائیه بین الملل کمونیستی برای تدقیق قطعی فعالیت‌های بالا در نظر دارد که در آینده نزدیک یک پلنوم گسترده هیات اجرائیه را فراهم خواهد کرد و در برابر تعداد ممول نمایندگان احزاب مختلف برای شرکت در آن دعوت کند .

۲۵- هیات اجرائیه بین الملل کمونیستی از نزدیک بر همه اقدامات عملی در این بخش از فعالیت‌ها نظارت خواهد کرد و از کلیه احزاب می‌خواهد که تمام تلاش‌های خود و موفقیت‌های کسب شده در این راه را با ذکر کامل جزئیات به اطلاع آن برسانند ●

## ترجمه از فروغ

### توضیحات

(۱) - این تزه نخست قبل از کنگره ، چهارم کمینترن توسط هیات اجرائیه بین الملل و تحت عنوان " درباره وحدت جنبه پرولتری " منتشر شدند ، ترجمه فارسی این تزه قبلا در ( کندوکاو ، دوره اول ، شماره ۵ ) منتشر شده است . اما ، آن ترجمه که بر اساس متن فرانسوی صورت گرفته بود ، نواقص بسیاری داشت . ترجمه فعلی از روی متن انگلیسی و از کتاب اسناد کمینترن ( اینک لینک ، لندن ۱۹۸۰ ) صص ۴۰۹ - ۴۰۰ ، صورت گرفته است .

بقیه توضیحات در صفحه ۹۷

همانطور که امروزه رهبران بین الملل‌های دو ، دوونیم و آمستردام چنین می‌کنند ، بلشویک‌های روسیه ما در پاسخ به تمایل کارگران برای وحدت از شرکت در هرگونه جنبه واحد خودداری نکردند . برعکس ، برای خنثی ساختن بازی دیپلماتیک رهبران منشویک ، بلشویک‌ها شعار " وحدت از پائین " ، یعنی وحدت خودتوده‌های کارگری در مبارزات عملی و برای خواست‌های انقلابی کارگران علیه سرمایه‌داران را پیش کشیدند . حوادث بعدی اثبات کرد که این تنها واکنش صحیح بود . نتیجه این تاکتیک که بر اساس موقعیت‌های زمانی و محلی اصلاح می‌شد ، این بود که بسیاری از بهترین کارگران منشویک بتدریج به کمونیسم جلب شدند .

۲۵- از آنجا که بین الملل کمونیستی شعار جنبه واحد کارگران را مطرح می‌کند و توافقات میان بخش‌های بین الملل کمونیستی و احزاب واتحادیه‌های بین الملل‌های دو و دوونیم را مجاز می‌شمارد ، طبیعاً نمی‌تواند توافقات مشابه در سطح بین المللی را رد کند . مثلاً ، هیات اجرائیه بین الملل کمونیستی به بین الملل آمستردام پیشنهاد داد که در رابطه با مسأله کمک به رفع قحطی در روسیه وحدت عمل داشته باشند . پیشنهادات مشابهی نیز برای اقدام علیه تروریسم روس‌های سفید و مسأله خفقان ضد کارگری در اسپانیا و یوگسلاوی ارائه داده است . هیات اجرائیه بین الملل کمونیستی در حال حاضر مشغول مذاکره با بین الملل‌های دو ، دوونیم و آمستردام بر سر مسأله اقدام مشترک علیه کارهای اولیه کنفرانس واشنگتن است که نشان می‌دهد که راجدیدار جدید امپریالیستی طبقه کارگر چه‌جا را تهدید می‌کند . رهبران بین الملل‌های دو ، دوونیم و آمستردام بر اساس رفتار خود تا کنون نشان داده‌اند که هنگامی که مسأله فعالیت‌های عملی مطرح می‌شود ، آنها عملاً شعارهای خود برای وحدت را فراموش می‌کنند . در تمام موقعیت‌های این چنانی ، وظیفه بین الملل کمونیستی بطور کلی و همه بخش‌های آن بطور جداگانه این است که دوروی این رهبران را در وسیع‌ترین محافل کارگری افشاء کنند . اینها وحدت خود را با بورژوازی به وحدت با کارگران انقلابی ترجیح می‌دهند و باقی ماندن در مثلا ، " سازمان بین المللی کارگری جامعه ملل " و با سهم شدن در کنفرانس امپریالیستی واشنگتن بجای سازماندهی مبارزه علیه آن ماهیت واقعی خود را آشکار می‌سازند . اما ، رد شدن پیشنهادهای عملی بین المللی کمونیستی از جانب رهبران بین الملل‌های دو ، دوونیم و آمستردام باعث این نخواهد شد که ما این تاکتیک را که ریشه‌های عمیق در میان توده‌ها دارد و باید بطور شیوه‌دار و دائمی بسط داده شود ، کنار بگذاریم . هر با رکه مخالفین ما پیشنهادی برای مبارزه مشترک را رد می‌کنند ، توده‌ها باید مطلع شوند و بدانند که مخربین جنبه واحد کارگری چه کسانی هستند . و هر با رکه آنها پیشنهاد ما را می‌پذیرند ، باید به تدریج مبارزه را تشدید کنیم و به سطح عالیت‌تری ارتقاء دهیم . در هر دو حالت مسأله اساسی این است که توجه توده‌های وسیع را بسط مذاکرات میان کمونیست‌ها و سایر سازمان‌ها جلب کنیم و آنها را نسبت به نوسانات در تلاش برای ایجاد جنبه واحد انقلابی کارگران علاقه مند سازیم .

۲۱- هیات اجرائیه بین الملل کمونیستی در ضمن طرح نقشه فوق ، توجه تمام احزاب هم‌نظر را به خطراتی که تحت برخی شرایط می‌توانند پدیدار شوند ، جلب می‌کند . همه احزاب کمونیست به اندازه کافی رشد و استحکام نیافته‌اند و همه آنها به برش‌هایی با ایدئولوژی سنتریستی و شبه سنتریستی دست زده‌اند . احتمالاً این می‌رود که در برخی موارد در صورت زیاد روی شود و تا میلاتسی در جهت انحلال احزاب و گروه‌های کمونیست در بلوک‌های متحد بسودن شکل و محتوی ایجاد گردد . برای آنکه استفاده از این تاکتیک بتواند به اهدا کمونیسم کمک کند ، احزاب مشخص کمونیست که آنرا بکار می‌گیرند باید پذیرا شوند ، متحد و دارای یک رهبری با برنامه

## باقی مانده از صفحه ۹۲

(۲) - کنفرانس واشنگتن در سال ۱۹۲۱ به ابتکار دولت آمریکا برگزار شد. هدف آن بحث دربارهٔ خاور دور بود. ژاپن موافقت کرده مباحث شرقی چین (کیاوشو) را ترک کند. استقلال چین برسمیت شناخته شد. تصاحبات آمریکا، بریتانیا، فرانسه و ژاپن در حوزهٔ اقیانوس آرام متقابلاً تثبیت شد. وحجم مجاز نیروهای دریایی کشورهای فوق در منطقه براساس توافقات این کنفرانس تعیین شد.

(۳) لئون ژوئو ( ۱۸۷۹ - ۱۹۵۴ ) LEON JOUHAUX ، از سال ۱۹۰۹ به بعد دبیرکل کنفدراسیون عمومی کارگران فرانسه ( C.G.T ) بود. در دوران جنگ جهانی اول موضع دفاع از جنگ را اتخاذ کرد و برای بسیج کارگران فرانسوی در خدمت تلاش‌های نظامی دولت فرانسه کوشید. او با انقلاب روسیه مخالفت کرد، و جزو نمایندگان فرانسه در جامعه ملل بود. او بعدها از کنفدراسیون کارگران انشعاب کرد و فدراسیون جدیدی از اتحادیه‌های کارگری را ایجاد کرد : FORCE OUVRIERE .

ژان لانگه ( ۱۸۷۶ - ۱۹۳۸ ) JEAN LONGNET ، وکیل دادگستری و سوسیالیست که در دوران جنگ هر چند که موضعی صلح طلبانه داشت به اعتبارات جنگی رای می‌داد. او سردبیر نشریه LE POPULAIRE بود که به حزب سوسیالیست تعلق داشت. پس از زنگرهٔ ۱۹۲۰ حزب سوسیالیست، هنگامی که اکثریت بدست کمونیست‌ها افتاد، او طرفدارانش انشعاب کردند و به بین‌الملل دوونیم پیوستند. چندی بعد او به بین‌الملل دوم بازگشت.

(۴) - آلفونس مرایم ( ۱۸۷۱ - ۱۹۲۵ ) ALPHONSE MERRHEIM رهبر اتحادیه کارگران فلزکار فرانسه بود. نخستین طرفدار پیوستن حزب سوسیالیست فرانسه به بین‌الملل کمونیستی بود، اما به دنبال تشکیل حزب کمونیست فرانسه با آن مخالفت کرد.

(۵) - " بلوک جی " در فرانسه براساس ائتلاف سوسیالیست‌ها و رادیکال‌ها تشکیل شد و در انتخابات مه ۱۹۲۴ پیروز شد و تا ژوئیه ۱۹۲۶ حکومت را در دست داشت.

(۶) - ساموئل گامپرز ( ۱۸۵۰ - ۱۹۲۴ ) SAURUEL GOMPERS ، رهبر محافظه کار فدراسیون کارگری آمریکا بود. او معتقد بود که حتی بین‌الملل فرمیت آمستردام بیش از اندازه " سرخ " است! او یکی از بنیانگذاران اتحادیه‌های کارگری در محدوده شرکت‌های سرمایه‌داری بود: " اتحادیه‌های شرکتی "

(۷) - اتحادیه " کارگران صنعتی جهان " در آمریکا (IWW) در سال ۱۹۰۵ توسط بهترین عناصر چپ آمریکا تشکیل شد. از رهبران آن می‌توان از دبیز DEBS ، دو لئون DE LEON ، و " مادر " جونز JONES ، نام برد. این اتحادیه مبارزات سرخ‌خانه‌ای را در دوران قبل از جنگ سازمان داد. مواضع آن به سندیکالیسم انقلابی نزدیک بود. پس از جنگ عملاً از هم پاشید و برخی از مبارزین آن به کمونیسم حلق شدند. مثلاً، ویلیام فاستر WILLIAM, Z. FOSTER و جیمز کانن JAMES, F. CANON از بنیانگذاران حزب کمونیست آمریکا از این اتحادیه آمدند.

(۸) - لئا LENA نام یکی از رودخانه‌های سیبری است. اعتصابات کارگری اوائل سال ۱۹۱۲ در منطقه لئا منجر به جنبش عظیمی از همبستگی در اوایل ماه مه ۱۹۱۲ شد که در واقع آغاز مجدد جنبش انقلابی در روسیه را نشان داد.